

ژئوپلیتیک خلیج فارس: تهدیدها و فرصت های فراروی جمهوری اسلامی ایران

اژدر پیری سارمانلو^۱

چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان «ژئوپلیتیک خلیج فارس: تهدیدها و فرصت های فراروی جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد که به بررسی تهدیدها و فرصت‌های پیش‌روی ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک خلیج فارس می‌پردازد. چرا که موقعیت حساس و استراتژیک ایران در منطقه خاورمیانه و وجود بحران‌ها و عدم ثبات سیاسی در کشورهای مجاور و وجود چالش‌های سیاسی با همسایگان استراتژیک باعث به وجود آمدن تهدیدهایی برای امنیت جمهوری اسلامی ایران می‌شود. از بزرگ‌ترین تهدیدات فرامنطقه‌ای که حوزه نفوذ آن به این منطقه حساس و استراتژیک وارد شده است، ایالات متحده آمریکا می‌باشد. به همین دلیل و بنابر اهمیت استراتژیک ایران و سیاستی که در قبال این دولت‌ها سر لوحه سیاست خارجی خود قلمداد کرده است، باعث مقابله شدید آمریکا با این کشور در فضای بین‌المللی شده است.

هدف مقاله حاضر بررسی تهدیدها و فرصت‌های فراروی ایران با توجه به موقعیت خلیج فارس می‌باشد و سوال مقاله حاضر این است که با توجه به موقعیت ویژه خلیج فارس چه تهدیدها و فرصت‌هایی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد؟ که به روش توصیفی^۰ تحلیلی به بررسی این فرضیه می‌پردازد که جمهوری اسلامی ایران به دلیل داشتن موقعیت ممتاز خلیج فارس از جانب آمریکا و سایر متحدان غربی‌اش مورد تهدید قرار گرفته و خواهد گرفت.

این پژوهش با بهره‌گیری از اسناد معتبر بر این نتیجه است که منطقه خلیج فارس با پشت سر گذاردن یک صد سال از اهمیت یافتن تاریخی به علت وجود ذخایر گسترده انرژی و همچنین تحولات در نظام‌های سیاسی، اقتصادی و بالطبع امنیتی در منطقه، در کانون توجه بسیاری از قدرت‌ها بوده است. به طوری که می‌توان ادعا کرد که به صورت مهمترین کانون توجه نگرشها و محاسبات استراتژیک درآید و به تعبیر کلاسیک ژئوپلیتیک، هارتلند یا قلب زمین نام گیرد.

کلید واژه: خلیج فارس، موقعیت ژئوپلیتیک، تهدیدات، فرصت‌ها.

^۱ کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، کارشناس صدا و سیما

مقدمه

منطقه‌ای که از زمان‌های گذشته از نظرگاه کشورهای مختلف والاترین دید ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک را داشته و همچنان دارد، منطقه خلیج فارس است. تراکم کشورهای نفت خیز با اوضاع متشنج و ضعف داخلی، متکی بودن به قدرت‌های خارجی، مجاورت ژئوپلیتیکی با پاکستان و افغانستان و نیز تمایز عمده در بافت و ساختار سیاسی - اقتصادی خلیج فارس از ویژگی‌های متمایز این منطقه در مقایسه با سایر مناطق حوزه خاورمیانه است. منطقه خلیج فارس با پشت سر گذاردن یک صد سال از اهمیت یافتن تاریخی به علت کشف و صدور نفت، وجود ذخایر گسترده انرژی و هم چنین تحولات در نظام‌های سیاسی، اقتصادی و بالطبع امنیتی در منطقه، در کانون توجه بسیاری از قدرت‌ها بوده است.

در هر حال هدف مقاله حاضر بررسی تهدیدها و فرصت‌های فراروی ایران با توجه به موقعیت خلیج فارس می‌باشد و سوال مقاله حاضر این است که با توجه به موقعیت ویژه خلیج فارس چه تهدیدها و فرصت‌هایی پیش روی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد؟ که به روش توصیفی^۱ تحلیلی به بررسی این فرضیه می‌پردازد که جمهوری اسلامی ایران به دلیل داشتن موقعیت ممتاز خلیج فارس از جانب آمریکا و سایر متحدان غربی‌اش مورد تهدید قرار گرفته و خواهد گرفت. با توجه به عوامل مذکور آنچه در این نوشتار بدان خواهیم پرداخت: موقعیت ژئوپلیتیک ایران و اهمیت خلیج فارس برای امنیت ملی ایران می‌باشد و در آخر هم به منابع نا امنی ایران پرداخته خواهد شد.

موقعیت ژئوپلیتیک ایران

ایران از نظر جغرافیایی و فرهنگی، قلب خاورمیانه است. پیشینه فرهنگی ایران نسبت به سایر کشورهای این منطقه و هویت مذهبی آن و هم چنین قابلیت‌های اقتصادی و عملی ایران موجب تأثیرگذاری بالقوه هر چه بیشتر در منطقه و حتی تحولات جهانی شده است. ایران به عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب عالم از دیرباز مورد توجه کشورها و تمدن‌های دنیا بوده است. این نقش ارتباطی میان قاره‌ای و مجاورت با خلیج فارس و تنگه هرمز که محل ترانزیت محموله‌های نفتی است، بر اهمیت و نقش مؤثر ایران در نظر

ناظران خارجی افزوده، به طوری که هرگونه تحول سیاسی در آن موجب برانگیخته شدن حساسیت‌های جهانی می‌گردد.

کشور ایران تنها بخش کوچکی از سرزمین تاریخی ایران را تشکیل می‌دهد. سرزمین ایران در گذشته شامل پهنه وسیعی از طول و عرض جغرافیایی بوده که طی قرن‌ها به عنوان قلمرو فرهنگ و تمدن کهن ایرانی - اسلامی شناخته شده است. وسعت این سرزمین، بسیار پهناورتر از سرزمین کنونی ایران و شامل سرزمین‌های داخل فلات وسیع ایران و یا سرزمین‌های حاشیه فلات بوده است. به سبب همین نقش در تعاملات دولت‌ها، مسیرهای ارتباطی میان قاره‌های کهن جهان به طور اجتناب ناپذیر از داخل و یا حاشیه این سرزمین عبور می‌کرده است. جاده ابریشم و تجارت ادویه و سایر اقلام و کالاهایی که مورد نیاز شرق و غرب جهان کهن بوده که چین و شبه قاره هند را به اروپا متصل می‌ساخت از گذشته‌های دور نقش برجسته‌ای به این سرزمین بخشیده بود. در سده گذشته با گسترش راه‌های دریایی و نیز منابع عظیم انرژی خلیج فارس به عرصه رقابت میان قدرت‌های بزرگ دریایی جهان تبدیل گشت. امروزه نیز با گسترش روزافزون هوانوردی و نیز مبادلات هوایی علاوه بر این که کاهش نیافته بلکه افزون‌تر نیز شده است. بنابراین «موقعیت گذرگاهی ایران به سبب نقش پر اهمیت که در مبادلات منطقه‌ای ایفا می‌کند و همچنین اثرات عمیقی که بر تحولات سیاسی - اقتصادی حوزه‌های وسیعی همچون آسیای مرکزی، شبه قاره و اقیانوس هند، بین‌النهرین و آناتولی وارد می‌کند، تبدیل به یک موقعیت حساس ژئوپلیتیکی گردیده است».

از طرفی کشف ذخایر عظیم سوخت‌های فسیلی در بستر خلیج فارس و اعماق خاک کشورهای منطقه و نیز احتیاج و نیاز ضروری جهان صنعتی به این منابع موجب تردد هر روزه تعداد زیادی شناور حامل مواد سوختی از خلیج فارس و تنگه هرمز شده است و همین امر موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را تبدیل به یک موقعیت ژئواستراتژیکی در جهان ساخته است به گونه‌ای که تعامل و انطباق موقعیت‌های ممتاز ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران در این منطقه، کشور ایران را به یکی از نواحی پراهمیت جهان بدل کرده است.

اهمیت خلیج فارس برای امنیت ملی ایران

خلیج فارس به عنوان یک راه آبی و دریایی از همان سپیده دم تاریخ ارزش فراوانی داشته و به مثابه برخوردگاه تمدن‌های بزرگ خاور باستان پیشینه‌ای چندین هزار ساله دارد. خلیج فارس بی‌تردید بزرگترین و مهم‌ترین انبار انرژی جهان محسوب می‌شود. این موفقیت برای دهه‌های طولانی در قرن آینده دوام خواهد داشت. عامل عمده‌ای که نفت و گاز خلیج فارس را برای ایالات متحده، اروپای غربی و ژاپن بسیار حیاتی می‌سازد، دشواری بسیار در جایگزین ساختن نفت و گاز وارداتی منطقه توسط منابع دیگر انرژی مانند زمین، خورشید، دریا و هیدروژن است. در سال‌های اخیر علیرغم داغ شدن بازار کشیدن لوله‌های نفت در این منطقه به کناره‌های دریای سرخ، این منطقه همچنان اهمیت سیاسی و اقتصادی و ترانزیتی خود را در سطح بالایی حفظ کرده است. موقعیت ویژه خلیج فارس از نظر دارا بودن ذخایر غنی نفت و گاز و هم چنین موقعیت استراتژیک و اهمیت آن به عنوان یک بازار مطلوب اقتصادی، تغییر و تحولات سیاسی سال‌های اخیر منطقه که متکی بر ایدئولوژی اسلامی است و بسط و حرکت آن در کشورهای منطقه توجه جهان را به شدت به این منطقه معطوف داشته است. خلیج فارس پس از جنگ جهانی دوم نقش مؤثری را در اقتصاد جهان ایفا کرده است. چرخ صنایع مدرن پس از انقلاب صنعتی از اروپا و ژاپن گرفته تا آمریکا توسط نفت خلیج فارس به گردش درآمده است. نظام اقتصادی غرب با کمک نفت کشورهای این منطقه توانسته به پیشرفت و تکنولوژی امروزه برسد. علاوه بر این شرکت‌های عظیم نفتی به ویژه شرکت‌های آمریکایی با توجه به ضعف کشورهای این منطقه و تسلط بر منابع نفتی آن‌ها سودهای هنگفت و کلانی را به دست آورده‌اند. در پی جنگ جهانی دوم و بالا گرفتن خسارات و هزینه‌های جنگ و نیز گسترش سلطه آمریکا در عرصه جهانی لزوم توجه به این منطقه در دستور کار سیاستمداران واشنگتن قرار گرفت.

اهمیت خلیج فارس برای آمریکاییان از آن جهت است که:

۱. منطقه خلیج فارس دارای بزرگ‌ترین ذخایر نفت است.

۲. خلیج فارس به لحاظ استراتژیک، دنباله اقیانوس هند

است.

۳. خلیج فارس با درگیری‌های اعراب و اسرائیل پیوند خورده است.

۴. احساس خطر از ناحیه اسلام سیاسی در کشورهای منطقه و روند روزافزون آن.

۵. وابستگی چرخ صنعت غرب به امنیت ترانزیت نفتی در این منطقه.

خلیج فارس در میان مناطقی که در بخش معروف به خاورمیانه، به عنوان مناطق ژئوپلیتیک جداگانه و متمایز از دیگران وجود دارد، مدل منحصر به فردی از یک منطقه ژئوپلیتیک را ارائه می‌دهد. این منطقه شامل ملت‌هایی است که از نظر فرهنگی متفاوت هستند ولی از نظر مشغله‌های سیاسی، استراتژیک و اقتصادی هماهنگی و تجاسن دارند. این منطقه شامل کشورهای ایران، عراق، عربستان سعودی، عمان، کویت، امارات متحده عربی، قطر و بحرین است. پاکستان نیز به دلیل نزدیکی جغرافیایی و مبادله گسترده بازرگانی علایق زیادی در این منطقه دارد و می‌توان آن را در ادامه ژئوپلیتیک خلیج فارس محسوب کرد.

همسایگان جنوبی ایران در خلیج فارس که شامل کشورهای عربی هستند با سطح پایین اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، وجود بحران مشروعیت و عدم ثبات سیاسی، پایگاه محکم و متحدی استراتژیک برای آمریکا شده‌اند. علاوه بر این دشمنی و عدم روابط دوستانه تاریخی با کشورهای عربی و پیشینه روابط نه چندان موفق ایران و این دولت‌ها همواره راه را برای حضور دشمنان ایران در این منطقه باز کرده است. «ورود شرکت‌های نفتی بعد از جنگ جهانی دوم به حوزه خلیج فارس، خود موجب تحولات سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی بسیار زیاد شد و این منطقه تا هم اکنون نیز نتوانسته است به یک تعادل استراتژیک که تأمین‌کننده منافع ملی کشورهای این حوزه باشد دست یابد».

با نگاهی مختصر به جایگاه انرژی در تأمین امنیت جهانی به نقش کلیدی خلیج فارس به عنوان یکی از منابع و ذخایر مهم انرژی دنیا پی می‌بریم. رویدادهایی که در دهه‌های ۶۰، ۷۰، ۸۰ و حتی دهه ۹۰ میلادی رخ داد، بیانگر این واقعیت بود که انرژی نقش انکارناپذیر در تحولات جهانی و به ویژه در کشورهای صنعتی داراست. خلیج فارس عمده‌تأ شامل کشورهایی است که با مسایل و مشکلات سیاسی، اجتماعی و

اقتصادی، ساختاری روبرو هستند. همین عقب ماندگی های ساختاری زمینه ساز ناامنی ها و بی ثباتی های موجود در منطقه هستند. همین امر به بازیگران خارجی فرصت لازم را برای ایفای نقش اصلی در منطقه خلیج فارس را داده است. عامل بیگانه با حضور مستقیم خود، نقش اصلی را در منطقه بازی می کند و این خود پیامد اوضاع داخلی منطقه است.

کشورهای حاشیه خلیج فارس به علت وابستگی شدید به درآمدهای نفتی از وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردار نیستند، و شدیداً در مقابل نوسانات قیمت نفت آسیب پذیر می باشند. علاوه بر مشکلات اقتصادی، فقر عمومی و نسبی که در جوامع این دولت ها برقرار است از جمله عوامل بی ثباتی این دولت ها و وابستگی شدید آن ها به دولت های خارجی است. یکی از مهم ترین ویژگی های ژئوپلیتیکی کشورهای نفت خیز خاورمیانه، عدم اتکای کامل آن ها به تفکرات انسانی ملت هایشان است که به دلیل وابستگی شدید آن ها به درآمد نفت است که آن هم از خارج تأمین می شود، لذا تکیه زمامداران این کشورها به سیاست خارجی و متحدان خارجی است که به نحوی می توانند در تأمین بودجه این کشورها از طریق خرید نفت و گاز کمک نمایند. این عامل مهم و خلأ ژئوپلیتیک ناشی از آن موجب گردیده است که هیچ یک از این کشورها از یک امنیت پایدار همه جانبه و درک شده که با آحاد ملت اشتراک منافع داشته باشد، برخوردار نبوده و در هر تغییر و تحول استراتژیکی به سرعت دچار بحران می شوند. به این عوامل مشکلات بنیادی، اقتصادی و زیرساختی نیز اضافه می شوند.

این یک واقعیت است که کشورهای حاشیه خلیج فارس به دلیل این که درآمدهای اصلی کشورشان در گرو صادرات نفت و دلارهای نفتی است، به هیچ وجه منافع مشترکی با ملت هایشان ندارند و همین امر آن ها را به سمت سیستم های مطلقه و غیر دموکراتیک پیش می برد و عدم اتکای آن ها به ملت و مردمشان و عدم ثبات سیاسی باعث روی آوردن آن ها به ماجراجویی های نظامی و تسلیحاتی می شود. به همین دلیل شاید بزرگ ترین خریداران و مشتریان تسلیحات آمریکا، کشورهای نفت خیز حاشیه خلیج فارس باشند. دست یافتن به برتری نظامی و استراتژیکی در خلیج فارس که راه ورود به بخشی از آب های آزاد جهان و محل عمده ترانزیت نفت است

در رأس استراتژی دریایی دولت های بزرگ و از طریق همکاری با کشورهای منطقه است و اینها نشان از ضرورت تأمین امنیت تجارت دریایی در خلیج فارس می باشد.

از طرفی بحران های هویت، نابسامانی های اجتماعی، عدم کارایی و ناتوانی در رهبری جامعه در میان اعراب و بحران مشروعیت، اختلافات قومی، قبیله ای در داخل و اختلافات سیاسی و مذهبی در خارج و آسیب پذیری های زیاد در کشورهای منطقه، دست به دست هم داده تا کشورهای عرب منطقه جزء ضعیف ترین مجموعه ملت - کشورها در سطح جهان به حساب آیند. آمریکا نیز به دعوت کشورهای منطقه و با انگیزه و هدف حفظ امنیت و ثبات در این منطقه حساس پا به این نقطه از جهان استراتژیکی گذاشته و همواره خود را مسئول و حافظ منافع جهانیان در خلیج فارس می داند.

منابع ناامنی ایران

با توجه به آنچه از قبل پیرامون ویژگی ها و مشکلات ساختاری کشورهای حوزه خلیج فارس مطرح شد تا حدودی به مشکلات امنیتی فراروی جمهوری اسلامی ایران اشاره شده است. در این بخش سعی در اشاره به منابع ناامنی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر دو رویکرد منطقه ای و بین المللی می شود.

۱. منطقه ای

فقدان مشروعیت داخلی و در نتیجه ضعف داخلی کشورهای جنوبی خلیج فارس و عدم اتکای آن ها به ملت هایشان از دو جهت منجر به آسیب وارد شدن به کشورهای منطقه می شود. اول اینکه زمینه های همکاری و همگرایی را از بین می برد و باعث دور افتادن کشورها و موضع گیری در مقابل یکدیگر می شود. دوم اینکه موجب حضور کشورهای قدرتمند برای برقراری امنیت و پر کردن خلأ قدرت در این منطقه می باشد. این امر باعث شد که: «در میان مناطق جهان سومی، در دوران پس از جنگ جهانی دوم، تنها منطقه ای که با توجه به توانایی های بالقوه داخلی به شدت تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی بین المللی قدرت های بزرگ باقی ماند، خاورمیانه بود». نبود مشروعیت داخلی به بی ثباتی سیاسی می انجامد و بی ثباتی سیاسی به اختلافات میان کشورها دامن می زند و در

نتیجه بازتاب منطقه‌ای، احساس ناامنی شدید را در پی دارد. احساس ناامنی نتیجه بسیار منفی و بلندمدت بر رشد و توسعه سیاسی اقتصادی منطقه می‌گذارد.

«در خلیج فارس، امنیت و مشروعیت حوزه قدرت به قدری به دنیای بیرون از مرزها وابسته است که هر روز جا به جایی قدرت و تغییر ماهیت و جهت گیری ها تابع منافع بین الملل است. عامل بیرونی با استفاده از ضعف داخلی، نقاط اختلاف را تشدید می‌کند و سیاست در خاورمیانه را همسو با منافع بین المللی و نه منافع کشورهای منطقه شکل می‌دهد. ناهمگونی ساختارهای سیاسی هشت کشور خلیج فارس به همان اندازه که بر سیاست خارجی آن‌ها تأثیر می‌گذارد و بر همکاری‌های منطقه‌ای و به همان میزان بر امنیت خلیج فارس تأثیرگذار است.»

اختلافات درونی میان کشورهای منطقه یکی از مهمترین عوامل ناامنی در منطقه است. این اختلافات هم در روابط ایران و اعراب و هم در روابط درونی اعراب مشهود است. روابط ایران و همسایگانش به شدت از اختلافات شیعه و سنی و ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی رنج می‌برد. موارد دیگر اختلاف بر سر چیرگی و تسلط خلیج فارس بوده است که همواره میان ایران و عربستان و عراق (زمان صدام حسین) نوعی رقابت وجود داشته است. اختلافات ایران و امارات متحده عربی بر سر جزایر ابوموسی و تنب کوچک و تنب بزرگ، از قبل انقلاب تاکنون و پشتیبانی شورای همکاری خلیج فارس از ادعای امارات از دیگر عوامل اختلاف است. اختلاف درونی میان اعراب و اختلافات مرزی و مواضع ناهمگون در قبال مسأله اسرائیل از جمله مشکلات و موانع ساختاری در روابط اعراب است.

موضوع استراتژیکی حوزه خلیج فارس در مورد ایران؛ امنیت منطقه‌ای و امنیت دسته جمعی است که برای ایران اهمیتی حیاتی دارد. محیط امن زمینه ساز توسعه و محیط ناامن باعث عقب ماندگی است. در عین حال توسعه عامل اساسی در امنیت محیط و امنیت ملی به شمار می‌رود. بنابراین مسئله امنیت در خلیج فارس از موضوعات استراتژیکی است که ایران در منطقه با آن روبرو می‌شود. با در نظر گرفتن قدرت‌های خارجی و کشورهای منطقه و منافع متضاد و ناسازگار در منطقه بر پیچیدگی‌های امنیت

در خلیج فارس افزوده می‌شود حضور قدرت دریایی آمریکا در خلیج فارس، اشغال افغانستان و عراق، تأمین امنیت اعراب و... رژیم صهیونیستی توسط آمریکا از جمله مسائلی است که بر ابهام‌های معمای امنیت در خلیج فارس و منطقه می‌افزاید. اکنون با روند رو به رشد جهانی شدن در نظام بین الملل ناامنی در یک منطقه و عدم توازن قدرت‌ها با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود موجب ناامنی دیگر مناطق خواهد شد. این مسئله امنیت جهانی را نیز مورد پرسش قرار می‌دهد و تروریسم را تحقق می‌بخشد.

از دیگر موضوعات استراتژیک که ایران در منطقه با آن مواجه است، مسابقه تسلیحاتی است. مسابقه تسلیحاتی نتیجه چیره خواهی در منطقه است. پس از فروپاشی شوروی استراتژی آمریکا مبتنی بر ایجاد توازن قوا در منطقه و جلوگیری از ظهور قدرت سلطه طلب در منطقه، زمینه ساز مسابقه تسلیحاتی بوده است. از دهه ۹۰ تاکنون کشورهای منطقه دهها میلیون دلار برای ساخت نیروهای مدرن نظامی جهت بازدارندگی و تهدید همسایگان خود هزینه کرده اند. چرا که خلیج فارس منطقه‌ای است که برای سلاح‌های پیش رفته جنگی بسیار اشتها آور است. منطقه ای که مخالفت‌های سیاسی موجود به تداوم مسابقه تسلیحاتی منجر شده است.

۲. منابع فرا منطقه‌ای

منظور از عوامل فرامنطقه‌ای به طور خاص تأکید بر نقش ایالات متحده در منطقه است که در شرایط کنونی حضور جدی در منطقه داشته و خواهان ایفای نقش انحصاری در منطقه خلیج فارس است و این مسئله حتی موجب نارضایتی برخی متحدان اروپایی آن شده است. آمریکا در پی جلوگیری ظهور برتری و تسلط توسط کشورهای منطقه است. استراتژیست‌های ایالات متحده معتقدند که آمریکا وسیعی در جلوگیری از ظهور هر قدرت منطقه‌ای دارد. آمریکا در حکم یک عامل فرامنطقه‌ای همواره در صدد القاء تفکر ایران خطرناک و هسته‌ای در جهت به خطر انداختن منافع کشورهای منطقه و جهان است. مخالفت‌های شدید در مورد پرونده هسته‌ای ایران و تهدیدات و همسو کردن افکار عمومی با سیاست های توسعه طلبانه و یکجانبه گرایانه خود از دیگر مشکلات فراروی جمهوری اسلامی است.

با فروپاشی شوروی و نیز سقوط صدام حسین، آمریکا در صدد معرفی یک منشأ شر و ناامنی در منطقه است. آمریکا در کنار حذف صدام حسین به تهدید موهوم جدیدی بر ضد امنیت منطقه نیاز دارد. آمریکا در روند کنونی روابط خود با ایران به راحتی می‌تواند ایران را منبع ناامنی برای کشورهای منطقه معرفی کند و ضمن جلوگیری از بهبود روابط ایران با کشورهای عربی که برای توسعه اقتصادی ایران حیاتی است و با گسترش جو بی‌اعتمادی بین این کشورها زمینه را برای تداوم حضور نظامی خود در منطقه مطلوب نگه دارد. در این زمینه آمریکا نه به دنبال همکاری بلکه به دنبال کنترل انحصاری منطقه است. در همین ارتباط آمریکا با ادامه روابط تنش آلود با ایران به راحتی می‌تواند حضور در منطقه را برای دولت‌های همسایه ایران توجیه کند. برتری آمریکا در خلیج فارس نقش قاطعی در برتری جهانی آمریکا بازی می‌کند. به هر حال مسئله مهم این است که حضور آمریکا و اسرائیل در منطقه یک واقعیت است و همانطور که برژینسکی تأکید می‌کند «لازم است همه کشورهای منطقه خلیج فارس این واقعیت مهم استراتژیک را درک کنند که ایالات متحده در خلیج فارس ماندگار است و استقلال و امنیت در منطقه جزء منافع حیاتی آمریکا به شمار می‌رود».

نتیجه گیری

ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور خلیج فارس و یکی از مهم‌ترین کشورهای تأثیرگذار در منطقه، نیازمند این است که اهمیت ژئوپلیتیک خود را در نظام دگرگون شونده جهانی از راه ایجاد پیوندهای گسترده در روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس در ژرفای ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک مشخص سازد و کارایی بیشتری بخشد.

حضور آمریکا در خلیج فارس و اشغال افغانستان و عراق می‌تواند زمینه همکاری ایران با کشورهای منطقه را در مورد منافع مشترک تقویت کند، اما در صورت عدم همکاری و هماهنگی بزرگ‌ترین تهدید علیه امنیت جمهوری اسلامی

است. با توجه به سهم زیاد ایران در منطقه، بهترین راهکاری که می‌تواند ایران را از مخمصه انزوا که آمریکا به دنبال آن است، رها سازد، برقراری روابط دوستانه با کشورهای عربی است. روابط دوستانه با این کشورها منجر به فضای اعتمادساز بین دولت‌ها می‌شود، اعتماد میان دولت‌ها به درک اشتراکات منافع و خطر تهدیدات مشترک می‌انجامد، و این درک به نوبه خود می‌تواند زمینه ساز پیمان امنیت دسته جمعی باشد. دست یافتن به زمینه‌های مشترک یک پیمان امنیت دسته جمعی، باعث برقراری امنیت توسط کشورهای منطقه و ناکارآمد شدن عوامل خارجی در منطقه می‌شود. با توجه به عامل جغرافیایی، اقتصادی و استراتژیک مشترک میان همه کشورهای خلیج فارس، منطقی‌ترین نظام برای پاسداری از امنیت منطقه، سیستمی خواهد بود که همه کشورهای کرانه‌ای را بدون شرکت هیچ کشور دیگری در برگیرد.

کشور ما، ایران در شرایطی قرار گرفته است که وحدت ملی و یکپارچگی و اقتدار و غرور ملی‌اش به گونه‌ای روزافزون مورد سؤال قدرت‌های رقیب قرار می‌گیرد. موقعیت حساس و محوری ایران در قلب منطقه برای ملت ما می‌تواند هم فرصت ساز باشد و هم فاجعه آفرین. اگر نتوانیم با هوشمندی از فرصت‌های پدید آمده و تحرکات مفید برخی دولت‌ها به نفع خود استفاده کنیم در نهایت دردمندی و نگرانی باید گفت که ممکن است لطمه‌های جبران ناپذیری بر پیکر میهن ما وارد آید برای برکنار ماندن از این لطمات و ترکش‌ها، باید آگاهی‌های خود را به کار گیریم و با شناخت واقعیت‌ها، امکانات و محدودیت‌ها به گونه‌ای عمل کنیم که منافع ملی‌مان حکم می‌کند.

(منابع در دفتر مجله موجود می‌باشد)